



بازخوانی شکل گیری و توسعه فقه سده های نخستین تاریخ اسلام در مکه

«هارالد موتزکی» مؤلف اثر *The Origins of Islamic Jurisprudence: Meccan Fiqh Before the Classical Schools* در صدد است با بهره بردن از منابع گوناگون به بازخوانی شکل گیری و توسعه فقه سده های نخستین تاریخ اسلام در مکه بپردازد.

#171& هارالد موتزکی؛ مؤلف اثر *The Origins of Islamic Jurisprudence: Meccan Fiqh Before the Classical Schools* در صدد است با بهره بردن از منابع گوناگون به بازخوانی شکل گیری و توسعه فقه سده های نخستین تاریخ اسلام در مکه بپردازد.

به گزارش خبرگزاری مهر، بنا به اظهارات وی فقه اسلامی در مکه از دوره زمانی پیدایش تا اواسط قرن دوم هجری همچنان ناشناس مانده است. به باور نویسنده در واقع فقه مکه ریشه اصلی و اولیه مکاتب فقهی جهان اسلام است.

مباحث این اثر در چهار بخش سامان پذیرفته است. این فصول عبارتند از:
مطالعاتی درباره آغاز فقه اسلامی
منابع جدید در دوره تاریخ آغاز ظهور فقه اسلامی
توسعه فقه اسلامی در مکه
سرآغاز فقه اسلامی

موتزکی اعتقاد دارد که شکل گیری و توسعه فقه اسلامی در زمان زندگانی نبی اکرم(ص) آغاز گردیده است.

وی در فصل نخست کتاب با توجه به کارویژه دانش فقه در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان اظهار داشته است که این دوره اصلی ترین نمونه عملی نمودن یا اجرای این جهانی فرامین الهی بوده است.

وی در ادامه اظهار می دارد که پس از وفات پیامبر اسلام (ص) با یک خلاء 150 ساله در فقه اسلامی روبرو هستیم.

نویسنده در تشریح چگونگی شکل گیری فقه اسلامی به تشریح چگونگی توسعه مفهوم سنت در درازای تاریخ دانش فقه و حقوق اسلامی روی آورده است. او همچنین معتقد است نخستین فقه های جهان اسلام در زمانه خود با اتکاء به مفهوم سنت به توسعه فقه اسلامی همت گمارده اند.

وی مباحث خود را در رابطه با تطور فقه اسلامی تا سده سوم در مبحث #171؛ سنت تاریخی عربی اوایل؛ جای داده است. در واقع وی با بررسی دانش فقه از دریچه تاریخ مندی به مطالعه و واکاوی سنت های اولیه و شکل گیری فقه به مثابه یک فرایند دانشی معطوف به عمل اقدام ورزیده است.

نگارنده در بخش دیگری از این فصل به مطالعه سطوح تفسیر نزد فقها و علمای اسلامی همت گمارده است. به باور وی علاوه بر محوریت متن در سنت فقه اسلامی این دانش می تواند به شرایط خارجی و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز باشد.

نویسنده در فصل دوم از منابع جدید در دوره تاریخ آغاز ظهور فقه اسلامی سخن گفته است. همان طور که پیش تر آمد اثر #171؛ ریشه های فقه اسلامی: فقه مکه پیش از مکاتب کلاسیک؛ درباره حقوق اسلامی و توسعه فقه تا آغاز شکل گیری مکاتب کلاسیک فقه اسلامی است.

موتزکی نیز مانند دیگر پژوهشگران حوزه فقه و حقوق اسلامی بر این ایده پای می فشارد که قرآن و سنت دو بنیان اصلی این دانش هستند، دو منبعی که نه تنها از نظر اهمیت بلکه همچنین از لحاظ تاریخی نیز دو منبع اصلی فقه و حقوق اسلامی بوده اند.

بنا به گفته وی می توان دو تعبیر از سنت ارائه نمود. سنت در معنای نخست خود که نویسنده از آن با عنوان #171؛ محدوده سنت؛ یاد نموده است به معنای گفتار و رفتار پیامبر اسلام (ص) است، اما تعبیر دوم وی از سنت در فقه و حقوق اسلامی سنتی است که در ادامه سنت نخستین شکل گرفته و همچنین انبان دانشی بازمانده از سنت اولیه آن را پر بارتر نموده است؛ این سنت عبارت است از گزارش اظهارات و رفتارهای نسلهای گذشته و به گفته موتزکی مهمترین آنها یعنی علمای هر نسل. به عبارت دقیق تر انباشت سنت رفتاری مسلمانان در طول زمان تبدیل به نوع ویژه ای از سنت در تاریخ فقه و حقوق اسلامی گردیده است.

در این فصل علاوه بر مباحث بالا از منابع بالقوه فقه و حقوق اسلامی سخن گفته است. منابع بالقوه ای که در صدی از آنها در آغاز ظهور فقه اسلامی عیان گردیده و دسته ای دیگر از آن منابع در علوم دیگر متجلی گشته و یا همچنان مانند استعدادی پنهان نیازمند کشف، بازخوانی و تفسیر مجدد هستند.

توسعه فقه اسلامی در خلال قرون دوم تا هشتم فصل بعدی را به خود اختصاص داده است. در این فصل مفاهیمی همچون اجماع و استثناء در فقه اسلامی بررسی گردیده است. در این قسمت از مطالب کتاب همچنین شاهد مباحثی درباره ویژگی های خاص مکتب فقهی مکه هستیم. در رابطه با این مطلب نقش صحابه پیامبر (ص) در شکل گیری مکتب فقهی مکه مورد بازنگری و مطالعه قرار گرفته است.

به باور وی در سده های نخستین اسلامی معنای مشخصی از حقوق اسلامی متصور نبود و پایه های اصطلاح حقوق اسلامی در معنای فنی آن در سده های پسین توسط فرمانروایان جغرافیای جهان اسلام کاربرد یافته است. این ادعا بدان معنا است که از آن روی که فرمانروایی آن روز جهان اسلام نیازمند نظم و قضاوت در عرصه ای پهناور بوده است، در پی آن کارویژه حقوق اسلامی از حقوق خصوصی به نوعی از حقوق جزای عمومی تبدیل گردیده است.

فصل چهارم با عنوان «#171; سرآغاز فقه اسلامی»؛ به مطالعه جریان فقه اسلامی در گستره جغرافیایی وسیعتری از مکه اختصاص یافته است.

نویسنده در این فصل به مطالعه فقه اسلامی در مدینه، دمشق و کوفه پرداخته است. بنا به گفته نویسنده، قرآن، سنت نبوی و اجماع ریشه فقه و حقوق اسلامی را تشکیل می دهند. این ایده در حالی مطرح می شود که وی فقه را امری تاریخمند تلقی نموده است و بر این اساس معتقد است که عناصر بسیاری از حقوق اسلامی در آغاز پیدایش فقه وجود نداشتند و در نتیجه اصلاح و تجدید نظر یا به عبارت درست تر بازبینی فقه و حقوق اسلامی معاصر امری ضروری به نظر می رسد.